



## بالاترین مرتبه آزادی از آن پروردگار است/ آزادی در دستگاه فلسفی حکمت متعالیه

از نگاه آیت الله جوادی آملی بالاترین مرحله و مرتبه آزادی که هیچ حد و مرزی را بر نمی‌تابد از آن ذات مقدس پروردگار است که حریت محض است و در او هیچ شائبه‌ای از محدودیت راه ندارد و هرگز چیزی بر او حاکم نیست.

خبرگزاری مهر- از نگاه آیت الله جوادی آملی بالاترین مرحله و مرتبه آزادی که هیچ حد و مرزی را بر نمی‌تابد از آن ذات مقدس پروردگار است که حریت محض است و در او هیچ شائبه‌ای از محدودیت راه ندارد و هرگز چیزی بر او حاکم نیست.

آنچه در ادامه می‌آید دیدگاه آیت الله جوادی آملی درباره آزادی است که آنرا شریف لک زایی در فصلنامه اسرا مورد بررسی و توجه قرار داده است.

آزادی از مفاهیم پر سر و صدا در تاریخ فکر و عمل بشر بوده و معرکه آراست. از این رو اندیشمندان در هر دوره به تبیین آن پرداخته‌اند. آیت الله جوادی آملی نیز دیدگاه خود را با توجه به آموزه‌های شیعی و در قالب دستگاه فلسفی متعالیه درباره این موضوع ارائه کرده است. اما پرسش این است که توجه به مسئله آزادی در اندیشه استاد از چه رواست و در نتیجه آزادی چه سمت و سویی می‌یابد. مفروض مقاله این است که آزادی در اندیشه آیت الله جوادی آملی به مثابه یک مسئله مطرح بوده و ایشان به عنوان اندیشمندی مسلمان، سودای بحث از سازگاری و ناسازگاری آزادی در مفهوم مدرن آن با آموزه‌های اسلامی را در سر می‌پروراند.

او با ارائه مباحث انسان شناختی در پی تعریفی دینی از آزادی است که ضمن بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی، از حکمت متعالیه نیز اشراق شود. از این منظر، آزادی مفهومی وجودی و مقول به تشکیک است و با عناصری چون تفکر، دعوت به خیر، حفظ منافع و مصالح دیگران و رعایت نظم و قانون عقلایی پیوند دارد. در نتیجه آزادی حقیقی زمانی واقعیت می‌یابد که بر مبنای عقل باشد.

بر اساس آرای استاد که متأثر از دستگاه فلسفی حکمت متعالیه است، آزادی حقیقی و حقیقت آزادی در سه بعد جلوه و ظهور می‌یابد. از نظر ایشان، معنای آزادی از صنف مفاهیم است و نه ماهیت، از این رو حد و رسم ماهوی ندارد و نمی‌تواند آن را با جنس و فصل شناخت؛ بلکه فقط از راه تحلیل مفهومی می‌توان به معنای آن پی برد و حقیقت خارجی، یعنی همان آزادی حقیقی از سنخ هستی است؛ از این رو، مقول به تشکیک و دارای مراتبی فراوان است که از والاترین مرتبه آغاز می‌شود و در انتها الیه خویش بخش‌هایی از انسان را دربر می‌گیرد.

از این منظر "بالاترین مرحله و مرتبه آزادی که هیچ حد و مرزی را بر نمی‌تابد از آن ذات مقدس پروردگار است که حریت محض است و در او هیچ شائبه‌ای از محدودیت راه ندارد و هرگز چیزی بر او حاکم نیست. بلکه تصور محدودیت و محکومیت او نیز به هر میزان، محال و ناممکن است".

در مرتبه بعدی آزادی وافر، از آن فرشتگان بزرگ الهی، عقول عالی و ارواح متعالی انبیا و معصومان است که از قید شهوت و غضب رهایند و چون از احرارند، جز صبغه عبودیت محض، هیچ رنگ دیگری بر ساحت وجودشان سایه نیفکنده است.

بنابراین، فرشتگان که زیر مجموعه ملائک بزرگ خداوند نیز چنین هستند که در اوج کرامت و ادب ملکوتی اوامر خدا را فرمانبری می‌کنند، از این رو فرشتگان الهی نیز یک سره در قید عبودیت و عبادت و اطاعت خدای سبحان به سر می‌برند و جز این از هر قید و بندی آزادند.

در مرحله سوم، پس از آنان نیز در میان انسان‌ها هر کس از بند تن و قید طبیعت، رهیده تر و با کمالات علمی و عملی هم‌آغوش‌تر باشد، سهم بیشتری از آزادی و حریت حقیقی خواهد داشت. بدین ترتیب، تبعیت از خدای سبحان و پیروی از فرستادگان و رسولان او، گرچه به ظاهر مومنان را در چارچوب احکام و قوانین الهی قرار می‌دهد، در حقیقت، همه قید و بندهای آنان را پاره می‌کند و از اسارت طولانی و تاریخی نجات می‌بخشد. در مقابل نیز کفر و عصیان و مخالفت با خدای سبحان، عین بردگی و اسارت است که در دنیا گریبانگیر کافران و عاصیان است.